



بررسی نقش قدسی انگاری خانواده بر عوامل استحکام خانواده در آیات و روایات؛ پژوهشی کیفی مبتنی بر تحلیل مضمون

علی کامل رضانیا^۱، سید محمود طباطبائی^۲، محمدرضا سالاری فر^۳

چکیده

رعایت عوامل کنشی و بینشی تضمین کننده سلامتی و کارآمدی خانواده است. قدسی انگاری خانواده که از جنس ادراکات اعتباری است، با طی فرایندهای پیچیده ذهنی در قوه خیال و ذهن زوجین شکل می گیرد و در تحقق و تحول نگرش های اعضای خانواده مؤثر است. براین اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش قدسی انگاری خانواده بر عوامل استحکام آن با تدقیق در مضامین قرآنی و روایی به روش کیفی از نوع تحلیل مضمون انجام شد و براساس مدل اکتشافی، چگونگی تأثیرگذاری نگرش تقدسی به خانواده بر عوامل بنیادین استحکام خانواده یعنی، رعایت اصول اخلاقی، تحقق نظامات حقوقی و خدامحوری بررسی شد. نتایج پژوهش نشان داد که باتوجه به میزان تحقق شکل گیری ادراک «قدسی انگاری خانواده» در فرد و نقشی که برای او در ایجاد و تقویت این نگرش به وجود می آید، فرد می تواند بر عوامل مخرب در استحکام خانواده فائق آید. همچنین با ایجاد این نگرش در فرد، وی می تواند به واسطه تأثیرگذاری بر عوامل واسطه ای تحقق ساز مضامین بنیادین استحکام خانواده نقش مهمی در پایداری، استحکام و کارآمدی خانواده ایفا کند.

واژگان کلیدی: قدسی انگاری خانواده، سازوکار شناختی خانواده، سازوکار رفتاری خانواده، نصوص دینی، عوامل استحکام خانواده در نصوص دینی، مضامین قرآنی و روایی قدسی انگاری خانواده.

DOI: 10.22034/ijwf.2024.17104.2159

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰
۱. دکتر مبانای نظری اسلام، دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

Email: ak.rezania@gmail.com

0000-0002-8649-3111

۲. استادیار گروه معارف قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
(نویسنده مسئول)

Email: tabanet@um.ac.ir

0000-0002-1146-8536

۳. دانشیار گروه روان شناسی اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

Email: ghmaleki@ut.ac.ir

0000-0002-4423-3880

Examining the Role of Family Sanctification in the Factors of Family Stability in the Quranic Verses and Narratives: A Qualitative Research Based on the Thematic Analysis

Ali Kamel Rezanian¹, Seyed Mahmoud Tabatabaei², Mohammad Reza Salarifar³

Observing action and vision factors guarantees the health and efficiency of the family. The family sanctification, which is a kind of conventional perceptions, is formed through complex mental processes in couples' imagination and mind, and is effective in the realization and transformation of the family members' attitudes. Therefore, this qualitative research was conducted with the purpose of investigating the role of family sanctification in the factors of family stability by analyzing the Quranic and narrative themes using the thematic analysis. Based on the exploratory model, how the attitude of sanctification toward the family affects the fundamental factors of family stability, i.e., the observance of moral principles, and the realization of legal and God-centered systems was examined. The results showed that according to the realization of the formation of the perception of "family sanctification" in the individual and the role that is formed for him/her in creating and strengthening this attitude, the individual can overcome the destructive factors in the family stability. In addition, by creating this attitude in the individual, he/she can play an important role in the stability, strength and efficiency of the family by influencing the mediating factors that realize the fundamental themes of family stability.

Keywords: family sanctification, cognitive mechanism of the family, behavioral mechanism of the family, religious contents, the factors of family stability in religious contents, Quranic and narrative themes of family sanctification.

DOI: 10.22034/ijwfm.2024.17104.2159

Paper Type: Research

Data Received: 2023/10/05

Data Revised: 2024/03/07

Data Accepted: 2024/03/10

1. Ph.D. in theoretical foundations of Islam, Martyr Motahari's Theology and Islamic Teachings, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)

Email: ak.rezanian@gmail.com

 0000-0002-8649-3111

2. Assistant Professor, Department of Knowledge of Quran and Hadith, Martyr Motahari's Theology and Islamic Teachings, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Email: tabanet@um.ac.ir

 0000-0002-1146-8536

3. Associate Professor, Department of Islamic Psychology, Research Institute of Hawzeh and University, Qom, Iran.

Email: ghmaleki@ut.ac.ir

 0000-0002-4423-3880

جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان علوم اجتماعی در تبیین اهمیت پدیده‌های مقدس برای هر فرهنگی تصریح می‌کنند که چنین پدیده‌هایی نماینده ارزش‌هایی است که برای مردم یک اجتماع اهمیت اساسی دارد و تکریم آنها ناشی از احترام و تکریمی است که افراد برای جامعه خود قائلند. (یعقوبی، ۱۳۷۹) در این جوامع، اولویت دادن به خواسته‌های اجتماعی و کنار گذاشتن خواسته‌های خویشتن‌مدارانه و فردگرایی اهمیت بسزایی دارد (یعقوبی، ۱۳۷۹). افراد در این فرهنگ‌ها به دلیل باور به جایگاه و حرمتی که برای برخی امور و پدیده‌ها مانند خدا، امور و مناسک دینی، خانواده، زمان و مکانی خاص، اسامی و مفاهیمی ویژه دارند نقش مؤثری در ابعاد مختلف اجتماع و روابط حاکم بین انسان در جامعه ایفا می‌کنند. هر انسانی به واسطه احساس معنوی و تجربه دینی خود برخی امور را از هرگونه پلیدی پاک شمرده و مقدس می‌داند (پترسون، رایشنباخ و هاسکر، ۱۳۹۰). اگر تقدس این امر از نظر عرف عقلا و ادله دینی تأیید شود پذیرش آن عمومی شده و حفظ حرمت آن و پیشگیری از هر امری که با جایگاه و قداست آن منافات دارد، لازم می‌شود.

یکی از کارکردهای دین، تفکیک بین امور مقدس و غیرمقدس است. در آموزه‌های دینی اسلام نیز مانند دیگر ادیان الهی برخی امور با توجه به وجود برکات و خیر کثیری که دارند اموری مقدس نام‌گذاری شده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴۶۹/۵) مکان‌ها (ر.ک.، مائده: ۲۱) و زمان‌های خاص (ر.ک.، دخان: ۲)، افراد و گروه‌های ویژه (ر.ک.، احزاب: ۳۳) و گاهی اشیاء (ر.ک.، بقره: ۲۴۸) و اسامی و مفاهیم به مثابه اموری مقدس مورد توجه دین قرار گرفته‌اند. یکی از این امور خانواده است. امروزه در غرب به دلیل گرایش شدید به مادی‌نگری و غرق شدن در مظاهر آن، عرفی‌نگری و مقدس‌زدایی گسترش یافته است. مناسک و اموری مانند رفتن به کلیسا، تعمید یا مراسم دینی، جنبش‌های دینی، برگزاری ازدواج و تشکیل خانواده به شکلی دینی هم از نظر دفعات وقوع و هم از نظر عمق باور به تقدسشان کاستی گرفته‌اند (خرمشاهی، ۱۳۷۴). مفاهیم و اموری مانند خدا، پیامبر و متولیان مسائل دینی از مفاهیمی است که قداست آنها کم‌رنگ شده و حریمی برای آنها وجود ندارد. از این رو، هیچ‌یک از تندبادهای انتقادات تند و توهین‌آمیز در امان نمانده‌اند (یعقوبی، ۱۳۷۹). یکی از این مفاهیم مقدس که با



نگاهی بی‌رحمانه و سودجویانه توسط فرهنگ مادی غرب مورد حمله و تخریب قرار گرفته مفهوم خانواده است. فاصله گرفتن از ارزش‌های دینی و مفاهیم مقدسی مانند خانواده، بنیان خانواده را در غرب به سمت فروپاشی و سقوط سوق داده است.

اکنون تقابل عرفی‌گرایی و قدسی‌گرایی در جامعه دینی پدیده‌ای مشهود است؛ زیرا یکی از کارکردهای دین، تقدس بخشیدن به امور و یکی از کارکردهای دنیاگرایی و فرهنگ غربی، قداست‌زدایی از آنهاست. در نتیجه با ورود اندیشه و فرهنگ غربی، تقابل بین قدسی‌گرایی و عرفی‌گرایی دور از انتظار نیست. این تقابل در مقولاتی مانند سنت و تجدد، انسان‌مداری و خدامحوری، چپ و راست، مردم‌سالاری و شایسته‌سالاری، استبداد و آزادی، مدیریت فقهی و مدیریت علمی، حکومت اسلامی و حکومت لائیک، غرب‌گرایی و اسلام‌گرایی، جامعه مدنی و جامعه ولایی به خوبی مشهود است. فرهنگ غرب تلاش می‌کند با عرفی‌گرایی و تقدس‌زدایی از پدیده‌هایی مانند خانواده صحنه اجتماع را به نفع خود تصاحب کند. در فرایند عرفی‌نگری تلاش می‌شود سیاست، قانون و ارزش‌های حاکم بر یک جامعه قداست‌زدایی شده و جامعه از اجتماع دینی به سوی جامعه‌ای غیردینی (سکولار) هدایت شود. (یعقوبی، ۱۳۷۹)

به اعتقاد محققان حوزه خانواده، یکی از عوامل مهم سقوط جایگاه خانواده در جهان غرب و جوامع غرب‌زده، فرایند عمومی عرفی شدن و تقدس‌زدایی است که افزون بر دیگر حوزه‌های حیات اجتماعی بر نهاد خانواده نیز تأثیر می‌گذارد. (بیستان، ۱۳۹۰) در نتیجه این فرایند، خانواده که پیش از آن مفهومی مقدس و دینی داشت که در آن، دو جنس مخالف با آداب و شرایط مادی و معنوی در کنار هم زندگی مشترکی را شروع می‌کردند رفته‌رفته قداست خود را از دست داد و با تنزل مفهوم خانواده به هم‌خانگی دو فرد همجنس یا غیرهمجنس و جایگزین کردن حیوان در جایگاه همسر به یک قرارداد مدنی صرف مبدل شد. همه ادیان الهی بر ارزشمند بودن کانون خانواده تأکید کرده و احکام و مقررات سختی در حفظ و قوام آن وضع کرده‌اند. در آموزه‌های دینی اسلام نیز خانواده کانون مؤثری در رشد و بالندگی انسان معرفی شده است. مراجعه به متون دینی نشان می‌دهد که اسلام بین ازدواج و روابط خانوادگی با دیگر روابط انسانی تفاوت قائل شده است. (ر.ک.، حرعاملی، ۱۴۱۴ ه.ق.

۱۴/۲۰) اسلام با اعطای صبغه دینی و الهی به ازدواج و تخصیص پاداش اخروی درقبال نقش‌ها و فعالیت‌های گوناگون خانوادگی مانند روابط جنسی (ر.ک.، کلینی، ۱۳۶۳، ۴۹۵/۵) و عاطفی (ر.ک.، صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۴۴۳/۳)، تولیدمثل و پرورش فرزندان (ر.ک.، ورام، ۱۳۷۶، ۱۱۰/۲)، تأمین معاش (ر.ک.، مجلسی، ۱۳۶۸، ۱۳/۵۹) و بردباری در برابر ناملازمات زندگی خانوادگی (ر.ک.، زمزم: ۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۷) نگرش تقدس‌گرایانه به ازدواج را در افراد و جوامع تقویت می‌کند. وقتی همسران پیوند ازدواج را امری متعالی و مقدس بدانند و با یادآوری این مهم به صورت دوره‌ای، درون‌سازی آن توسط زوجین اتفاق بیفتد و معنویت و تقدس ازدواج و روابط بین فردی همسری در کلام و رفتار نمایان شود نگاه تقدسی پیوند ازدواج در آنها شکل می‌گیرد و براساس آن از هرنوع رفتاری که تقدس این پیوند را خدشه‌دار کند، دوری می‌کنند. در چنین روندی زوجین همه رفتارهای خود را معنوی می‌شمارند و احساس رضایتشان از زندگی زناشویی بیشتر می‌شود (سالاری فر، ۱۳۹۵).

توجه به بنیان‌های نظری در متون دینی برای ایجاد و القای این نوع نگاه به زوجین و اعضای خانواده مورد اهتمام آموزه‌های دینی بوده است. هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی قدسی‌انگاری خانواده در متون دینی به مثابه یکی از علل اصلی قوام‌بخش به نظام خانواده است. به نظر می‌رسد هرگونه تلاش برای پایداری و استحکام بخشیدن به خانواده در عصر کنونی، متضمن آن است که به ریشه‌ها و بنیان‌های آن توجه کافی شود. براین اساس، متناسب با هدف پژوهش حاضر باید به دو پرسش پاسخ داده شود: اول اینکه آیا می‌توان قدسی‌انگاری را به مثابه یکی از بنیان‌های اصلی در استحکام بخشیدن به نظام خانواده از متون دینی استنتاج کرد؟ و دوم اینکه متناسب با استنتاج آن از متون دینی، تأثیرپذیری آن بر استحکام خانواده چگونه خواهد بود؟

آموزه‌های اسلامی برای ایجاد و تقویت قدسی‌انگاری خانواده در بین اعضای از دو سازوکار دارند: سازوکار شناختی و سازوکار رفتاری. در سازوکار شناختی، با دخالت در بعد اندیشه‌ای انسان، معرفتی خاص در مقولات مرتبط با مفهوم ازدواج و خانواده در قالب مفهومی مقدس ایجاد می‌کند. در سازوکار رفتاری، با وضع قوانین حقوقی و اخلاقی و الزام و تشویق به رعایت موازین رفتاری، نقش زوجین و دیگر اعضای خانواده را در ایجاد نگرش قدسی به خانواده تبیین می‌کند.



درباره پیشینه علمی مسئله پژوهش حاضر باید گفت که در ایران پژوهش‌ها درباره توزین انگاره‌ها و تأثیر آنها در نهادهای اجتماعی مانند خانواده هنوز در آغاز راه است و پژوهش‌های اندکی درباره انگاره، قدرت و تأثیر آن در زمینه‌های مختلف به جز نظام خانواده انجام شده است. با مرور این پژوهش‌ها وجه نوآوری تحقیق حاضر روشن می‌شود.

مولانا (۱۳۷۵) در پژوهشی با عنوان رسانه‌ها و انگاره‌سازی از نقش انگاره‌ها در اذهان مخاطبان و تأثیر انگاره‌ها در سوگیری، قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری افراد را بررسی نموده است. غباری بناب (۱۳۸۹) نیز در پژوهش خود با عنوان رابطه انگاره ذهنی از خدا با روان‌پریشی و جسمی‌سازی در دانشجویان، انگاره‌های شکل‌گرفته از خداوند و تأثیر آن بر اختلالات اضطرابی و روان‌پریشی را بررسی نموده است. همچنین بیران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان آثار ارتباطات بین فرهنگی زوج‌های ایرانی و فرانسوی بر انگاره‌های ذهنی و کاهش حساسیت فرهنگی بین آنها، به نقش فرهنگ و تعاملات فرهنگی بر شکل‌گیری انگاره‌های مختلف در بین زوج‌های ایرانی و فرانسوی نسبت به یکدیگر اشاره می‌کند. قراملکی (۱۳۹۵) نیز در کتاب خود مفهوم انگاره و نقش مؤثر آن بر برداشت‌ها، انگیزش‌ها و تصمیمات فردی را تبیین نموده است. در منابع فوق به تأثیر انگاره‌ها بر پایداری و استحکام نظام خانواده اشاره نشده است. برخی تحقیقات روان‌شناسان درباره خودانگاری مانند کتاب دروغ‌هایی که به خود می‌گوییم (فردریکسون، ۲۰۱۵) و کتاب روان‌شناسی تصویر ذهنی (مالتز، ۲۰۱۶) به زبان فارسی منتشر شده‌اند. در این منابع نیز نقش انگاره‌ها و تأثیر آنها بر قوام بخشی به نظام خانواده بررسی نشده است. تاکنون پژوهشی که انگاره‌ها را به صورت یکی از عوامل اساسی در این مهم به صورت علمی بررسی کرده باشد، شناسایی نشد.

۲. چارچوب نظری پژوهش

۲-۱. مفهوم شناسی انگاره

انگاره در لغت از مصدر انگاریدن به معنای تصور کردن، پنداشتن و گمان کردن، اندیشه بردن، نقش کردن و به تصویر کشیدن است. (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه انگاره) در اصطلاح به نقاشی ذهنی از چیزی که به جای آن چیز می‌نشیند و قدرت مؤثری دارد که می‌تواند بر

برداشت‌های اولیه، نگرش‌ها، انگیزش‌ها و رفتارهای انسان مؤثر واقع شود (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۵). انگاره می‌گویند. مفهوم انگاره در این معنا در برابر واژه انگلیسی «image» و واژه عربی خیال به‌کار برده می‌شود (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۵). انگاره در این معنا در بین فلاسفه اسلامی به‌ویژه با رویکرد فلسفه صدرایی جایگاه قابل توجهی دارد. ملاصدرا و فلاسفه متأثر از اندیشه او در مباحث شناخت‌شناسی به جایگاه قوه خیال در مبادی ادراکی صدور فعل توجه وافری از خود نشان داده‌اند. ملاصدرا به‌صراحت به نقش قوه خیال در صدور افعال اشاره کرده است (موحدی و اخلاقی، ۱۳۹۸). صدرالمآلهین با ارائه تصویر خاصی از قوه خیال در نفس‌شناسی و نظریه عمل حکمت متعالیه، دخالت این قوه را خلق صور جدید، ترکیب آنها و صدور فعل تبیین می‌کند. او قائل است که نفس، موجودی مجرد و از سنخ ملکوت است و هر موجود مجرد و ملکوتی قدرت خلاقیت و ابداع صور مجرد از ماده را دارد. در نتیجه، نفس خلاق و مظهر صور خیالی است (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۵). براساس نظریه صدرالمآلهین اصلی‌ترین مرحله تأثیرگذاری قوه خیال در فرایند صدور فعل در مرحله تصویرسازی رفتار است. وقتی یک‌تصور از امری در قوه خیال فاعل شکل می‌گیرد آن امر در ذات فاعل موجود شده و فاعل با فعل خودش یکی می‌شود. اگر به آن فعل تأکید یا به‌شکلی آن فعل تکرار شود، حقیقت خلق شده در قوه خیال ماندگار می‌شود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۶/۲، ۹۴۵). این تصویر یا حقیقت ماندگار، انگاره نام دارد.

روان‌درمانگرانی مانند فروید نیز به انگاره‌ها توجه ویژه‌ای داشته‌اند. فروید در تحقیقات خود به دنبال شناسایی عاملی بود که بر باور، اندیشه، انتخاب‌ها و رفتارهای همسران مؤثر واقع می‌شود. او ایماگو «imago» را معادل لاتین «image» به معنی تصویر می‌دانست و آن را تصویری خیالی که فرد از نخستین مطلوبات آرزومندی خود برای خود ساخته و آن را به‌مرور در خیال خود پرورش داده است تا به‌صورتی ایده‌آل درآید و با آن انطباق هویتی پیدا کند، معرفی می‌کرد. (اسون، ۱۳۹۸). در تبیین مفهوم خانواده باید گفت که جامعه‌شناسان براساس ملاک‌های مختلفی، تعاریف گوناگونی از خانواده ارائه کرده‌اند که دربردارنده نقاط اشتراک و امتیازات مختلفی است. خانواده نهادی است که در درون اجتماع کل قرار دارد و ارگانیسمی است که ساختار آن با اجزای تشکیل‌دهنده آن حفظ می‌شود. همچنین





خانواده، واحد مرکبی از افرادی است که کنش متقابل و موقعیتی خاص دارند. این موقعیت با نقش‌ها معین می‌شود (تقوی، ۱۳۷۶).

خانواده می‌تواند به صورت واحدی منسجم و سیستمی کارا تصور شود به گونه‌ای که اعضای آن باتوجه به نقش انتسابی خود و به نسبت حقوق و وظایف تعریف شده برای هریک بتوانند در سلامتی و رشد دیگر اعضا و بهنجاری کل خانواده تأثیرگذار باشند. (زیمون، کلمنت و اشتیرلین، ۱۳۷۹) خانواده در قالب واحد کوچک اجتماعی نیازها و اقتضائات خاص خود را دارد و کارکردهای صحیح آن مبتنی بر تعاملات صحیح بین اعضا و تحقق نقش‌های صحیح هریک از اعضا برای نیل به هدف واحد است. در این دیدگاه افراد در خدمت سیستم می‌باشند و روابط بین فردی آنها به گونه‌ای تنظیم می‌شود که کل خانواده به شکل یک واحد روبه‌سوی اهداف موردنظر خود حرکت کند (ظهیری، ۱۳۸۹).

۲-۲. مفهوم‌شناسی تقدس و مقدس

تقدس از قدس (بر وزن قفل) گرفته شده و معنای لغتی آن پاکی و پاک است. تقدس مصدر باب تفعّل و به معنی پاک دانستن چیزی یا کسی از هرگونه آلودگی نجاست یا آلودگی به معنای هرگونه زشتی و پلیدی است. مقدس نیز اسم مفعول از باب تفعیل و به معنای شخص یا شیء پاک و مطهر است. (طریحی، ۱۳۷۵، ۹۴/۳) درباره تعریف مقدس انگاری خانواده یا مقدس دیدن خانواده می‌توان گفت که این‌گونه تقدس، نقاشی ذهنی است که فرد از مفهوم خانواده در ذهن خود ترسیم می‌کند و خانواده خود را چیزی جز یک حقیقت والا و ارزشمند نمی‌بیند. این نقاشی ذهنی چنان قدرتی دارد که می‌تواند بر نگرش و اراده فرد مؤثر واقع شود و شکل‌گیری آن در جریان فرایندی ذهنی است که همراه با جانشین‌سازی دو تصویر متفاوت از «خانواده» و «مقدس» تحقق پیدا می‌کند به گونه‌ای که این دو تصویر با تأثیر عوامل مختلفی که در ادامه تبیین می‌شود به جای یکدیگر می‌نشینند و در نهایت تصویری ثابت و (مقدس انگاری خانواده) با قدرتی مؤثر در قوه خیال و ذهن فرد شکل می‌گیرد (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۵).

مقدس انگاری خانواده به معنای مقدس دیدن خانواده از جنس ادراکات اعتباری و نوعی نقاشی ذهنی است که جایگاه آن، ذهن و اندیشه انسان است و با نگرش (باور) فرق

دارد، ولی می‌تواند در ایجاد نگرش یا تغییر آن مؤثر واقع شود. مقدس‌انگاری خانواده مانند دیگر انگاره‌ها مراتب مختلفی از شدت و ضعف دارد به‌گونه‌ای که در فردی در اولین مراحل برجسته‌سازی و فربهی متوقف می‌شود و به مراحل شدیدتر آن یا به مرحله جانشینی و نماد منتقل نمی‌شود. در نتیجه، قوام خوبی ندارد و یا در افراد دیگری از مراحل برجسته‌سازی و فربهی عبور و آخرین مرحله از مراحل جانشینی و نماد را تجربه می‌کند که در این صورت در نهایت شدت و قوام محقق شده است. بدیهی است میزان شدت و قوام آنها در شکل‌دهی نوع نگرش‌ها (باورها) مؤثر است. زوجین در پرتو آموزه‌های اصیل دینی نگاه متفاوتی به مفهوم خانواده دارند که محصول این نگاه، نگرش و باوری است که خانواده را امری ارزشمند که جایگاه والایی دارد ارزیابی می‌کند. هرچه زوجین نگاه ارزشی به خانواده داشته باشند به همان نسبت نگرش ارزشی و تقدسی آنها به مفهوم خانواده متفاوت‌تر می‌شود و خانواده استحکام بیشتری خواهد داشت.

۲-۳. فرایند شکل‌گیری قدسی‌انگاری خانواده با توجه به نصوص دینی

در فرایند شکل‌گیری انگاره‌ها، قوه متخیله در قالب یکی از قوای شناختی نفس، قدرت بسیاری در خلق صورت‌های جدید به‌روش ترکیب و تجزیه صورت‌های قبلی دارد. در جریان تبدیل صور خیالی به انواع انگاره‌ها فرایند ذهنی پیچیده، اما مشابه هم شکل می‌گیرد که از مراحل مختلفی تشکیل می‌شود. با بررسی متون دینی، سه مرحله زیر قابل استنتاج است که عبارتند از: حضور صور خیالی خانواده، تقدس در ذهن و همراهی آنها با یکدیگر؛ برجسته‌سازی و فربهی؛ و جانشینی و نماد.

۲-۳-۱. حضور صورت‌های خیالی خانواده و تقدس در ذهن

انسان مؤمن با گذر از مراحل رشد شناختی، خود را بی‌نیاز از گزاره‌ها و معارف دینی نمی‌یابد در نتیجه در مواجهه با پدیده‌ها و مفاهیمی که در راستای انتخاب سبک زندگی دینی اوست از تعالیم دینی بهره‌مند شده و درک متفاوتی را اتخاذ می‌کند. فرزندان که در خانواده‌های مذهبی با ساخت هسته‌ای یا گسترده (وثوقی و نیک‌بین، ۱۳۷۱) رشد می‌کنند در مراحل رشد شناختی خود و با یادگیری مشاهده‌ای، ادراک صحیحی از جایگاه و نقش والدین و دیگر اعضای خانواده کسب می‌کنند؛ زیرا در خانواده‌هایی که سبک زندگی دینی

را محور فعالیت‌ها و تعاملات بین فردی خود قرار داده‌اند پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها حرمت بالا و والدین جایگاه ویژه‌ای دارند. در این خانواده‌ها، پدر نقش اساسی در قوام خانواده داشته و مادر حرمت و قداست بالایی دارد (ر.ک.، صدوق، ۱۴۱۳ ه.ق)، مرد صالح، شایسته پرستش است (ر.ک.، کلینی، ۱۳۶۳، ۵/۵۰۸) و زن صالحه، کارگزار الهی است (ر.ک.، صدوق، ۱۴۱۳ ه.ق، ۳/۳۸۹). در این خانواده‌ها فرزندان بدون توجه به جنسیت، ارزشمند دیده می‌شوند (ر.ک.، حراملی، ۱۴۱۴ ه.ق، ۲۱/۴۷۶) و مراتب و جایگاه هر فرزند به نسبت ایمان (ر.ک.، کلینی، ۱۳۶۳، ۶/۳) و سن تعریف می‌شود (ر.ک.، حرانی، ۱۳۶۳، ۴۴۲).

فرزندانی که در این فضای دینی رشد می‌کنند روابط حاکم بین اعضای خانه را که متأثر از آموزه‌های دینی است متفاوت ادراک می‌کنند. این شناخت در طول زمان نوعی صورت خیالی را به شکلی ناخودآگاه در ذهن آنها ایجاد می‌کند؛ صورتی مقدس از خانواده که در رأس آن پدر، مدیریت کلان خانواده را دارد و در مرحله بعدی مادر و سپس فرزندان نقش‌های خود را ایفا می‌کنند. آنچه در این صورت خیالی پررنگ دیده می‌شود جایگاه و حرمت بالایی است که بین هریک از اعضا به وجود آمده است به گونه‌ای که هریک از اعضا به سهم خود می‌تواند در دیگر اعضا و کل خانواده نقش‌آفرین باشد. در این سبک زندگی است که انسان مفهوم خانواده را براساس آموخته‌هایی که از دین کسب کرده است مفهومی ارزشمند و مقدس می‌یابد به گونه‌ای که هیچ مفهوم دیگری را که بیانگر هم‌افزایی و اشتراک اجتماعی چند نفر با هم باشد مانند مفهوم خانواده ارزشمند و مقدس نمی‌یابد. در این صورت انسان تصویری از ارزشمندی و تقدسی خانواده را در ذهن خود ذخیره می‌کند و گزاره «خانواده حقیقتی مقدس است» را نتیجه‌گیری می‌کند. انسان بعد از این مرحله و در ادامه گزاره‌های دینی در موضوع خانواده به دنبال برجسته کردن تصویری ارزشمند از مفهوم خانواده است تا با فربه کردن تصویر ذهنی مقدس بودن خانواده در ذهن انسان، تصویری متفاوت از خانواده را برای فرد ایجاد کند که این تصویر نه از جنس باورها و نگرش‌ها، بلکه نوعی از ادراکات ذهنی او به نام مقدس‌انگاری خانواده است.

۲-۳-۲. مرحله برجسته‌سازی و فربه‌ی با استفاده از سازوکار شناختی

بعد از به وجود آمدن اسناد «خانواده حقیقتی مقدس است» این نگاه و تصور از خانواده

با کمک آموزه‌های دینی و از راه سازوکار شناختی که بر ادراک انسان اثر می‌گذارد در ذهن و خیال انسان در طول زمان بیش‌ازپیش تقویت می‌شود، به‌ویژه زمانی که متون دینی، اصل تشکیل خانواده را امری معنوی و الهی معرفی و فروپاشی و سقوط آن را به شدت نکوهش کنند. در این شرایط، اسناد بین مفهوم خانواده و تقدسی بودن آن تقویت می‌شود به‌گونه‌ای که تصویری متفاوت و تقویت شده از مقدس بودن خانواده در ذهن فرد ذخیره‌سازی می‌شود. متون دینی برای مقابله با انگاره‌های منفی از مفهوم خانواده و باهدف ایجاد تصویر ذهنی مقدس بودن خانواده از هردو دسته نظریه اصلی در روان‌شناسی یادگیری یعنی، نظریه‌های شناختی‌گرایی و رفتارگرایی بهره‌جسته‌اند. از سازوکار شناختی در مرحله برجسته‌سازی و فربهی و از سازوکار رفتاری در مرحله جانشینی و نماد بهره‌گرفته شده است.

متون دینی با سازوکار شناختی با دخالت در بعد اندیشه‌ای انسان، معرفتی خاص در مقولات مرتبط با مفهوم ازدواج و خانواده ایجاد می‌کند. معرفتی که محصول آن ایجاد و تقویت انگاره قدسی به نظام خانواده خواهد بود. در این سازوکار، متون دینی با دو شیوه بعد شناختی انسان را نسبت به مقوله ازدواج و خانواده ارتقا می‌بخشند که عبارتند از:

الف) در یک شیوه با تبیین کارکردهای متفاوت و بی‌بدیل خانواده در ابعاد مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی تلاش می‌کنند دید انسان را نسبت به مفهوم خانواده متفاوت کنند. کارکردهایی که هریک منبع خیرات بسیار برای انسان در تمام ابعاد زندگی می‌شود. از این رو، جایگاه و قداست و ارزشمندی آن روشن می‌شود. از منظر دینی، کارکردهایی مانند تداوم نسل توحیدی و گسترش کلمه توحید (ر.ک.، صدوق، ۱۴۱۳ ه.ق، ۳/۳۸۲)، آرامش روانی (ر.ک.، روم، ۲۱)، تکامل رشد شخصیتی و کمالات در انسان (ر.ک.، بقره: ۱۸۷؛ اعراف: ۲۶)، رشد و تعالی جامعه انسانی (نوری، ۱۴۰۸ ه.ق، ۱۴/۱۵۲) تبیین‌کننده این واقعیت است که جایگاه خانواده در دین، قداست بالایی دارد.

اگر برای خانواده هیچ کارکردی به جز گسترش کلمه توحید نبود، همین کارکرد کافی بود تا بیانگر قداست و برتری بی‌بدیل نهاد خانواده باشد. اهمیت، جایگاه و اثربخشی این کارکرد بر فرد، خانواده و جامعه به‌گونه‌ای است که علاوه بر اینکه هدف خلقت آفرینش

انسان (ر.ک.، ذاریات: ۵۶) و جهان هستی و ارسال رسل و انبیای الهی و انزال کتب آسمانی (ر.ک.، نحل: ۳۶) معرفی شود، بتواند خانواده دینی را برتر از همه مردم جهان قرار دهد (ر.ک.، آل عمران: ۳۳). این درحالی است که خانواده تنها گزینه‌ای است که می‌تواند برای تحقق کامل این کارکرد در اندیشه انسان مؤمن در قالب یک بستر عمل کند. با کارکردی مانند آرامش روانی نیز می‌توان قداست خانواده را ثابت کرد؛ زیرا در پرتوی آرامش روانی امکان کسب تقوا فراهم می‌شود. بدون آرامش روانی، نه نسل سالم و صالح پدید می‌آید و نه سازندگی اخلاقی و اجتماعی اتفاق می‌افتد و نه ارزش‌های دینی گسترش می‌یابد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹).

ب) در شیوه دیگر با وجود تقدیس صریح نسبت به مفهوم خانواده (ر.ک.، صدوق، ۱۴۱۳ ه.ق.، ۳/۲۸۳) و اشاره به قداست آن با تعبیر پیمان محکم (ر.ک.، نساء: ۲۱) تلاش می‌کند با ارزش‌گذاری اجزای تشکیل‌دهنده خانواده، قداست آن را مورد توجه قرار دهد.

متون دینی در یک ساختار طولی ارزش‌گذاری در ابتدا از جایگاه و قداست والدین سخن می‌گویند و سپس فرزندان را با تفکیک دختر و پسر مورد توجه قرار می‌دهند. در برخی آیات قرآن، چنان قداستی به والدین عطا می‌شود که احسان به آنها را هم‌ردیف بندگی خداوند می‌داند (ر.ک.، کهف: ۸۳) و کمترین توهین و ناسپاسی به آنها را مردود می‌شمارد (ر.ک.، اسراء: ۲۳) تاجایی که خشم و غضب پروردگار و رضایت الهی را منوط به خشم و غضب یا رضایت والدین می‌داند (ر.ک.، طبرسی، ۱۳۸۵). در ادامه این ساختار طولی حرمت، دختر را مایه خیر و برکت زندگی دنیوی و اخروی (ر.ک.، نوری، ۱۴۰۸ ه.ق.، ۱۵/۱۱۶) و جزو حسناتی می‌داند که انسان در قبال او ثواب می‌برد و پسر را نعمت الهی (ر.ک.، کلینی، ۱۳۶۳، ۶/۶) و هردو را هدیه الهی (ر.ک.، شوری: ۴۹ و ۵۰)، برکت زندگی (ر.ک.، متقی، ۱۴۱۹ ه.ق.، ۱۶/۲۷۴) و گلی خوش‌بو (ر.ک.، حرعاملی، ۱۴۱۴ ه.ق.، ۲۱/۳۵۸) معرفی می‌کند.

تقویت این انگاره در ذهن و خیال انسان مؤمن با دو شیوه مطرح شده در سازوکار شناختی به‌شکلی است که محمول (مقدس) در گزاره «خانواده مقدس است» در ذهن و اندیشه انسان مؤمن، فربه‌تر شده و ابعاد یا صفات دیگر موضوع (خانواده) کوچک و کوچک‌تر می‌شود تاجایی که به جانشینی و نماد آن تبدیل می‌شود. (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۵) به میزان دریافت این تلقی و تأثیرپذیری انسان از معارف دینی (در سازوکار شناختی) و به میزان تقید نسبت

به انجام توصیه‌های اخلاقی و معاشرتی زوجین در نظام خانواده (در سازوکار رفتاری) این انگاره می‌تواند مراحل مختلفی از شدت و ضعف در مراتب وجودی داشته باشد.

۲-۳-۳. مرحله جانشینی و نماد با استفاده از سازوکار رفتاری

آخرین مرحله از مراحل شکل‌گیری انگاره‌ها در آیات و روایات، مرحله جانشینی دو تصویر است که از سازوکار رفتاری استفاده می‌شود. در این مرحله، تکرار زیاد و انس ذهن با اسناد تحویل‌گرایانه به جانشینی تصویرها می‌انجامد. آموزه‌های دینی با سازوکار رفتاری به اصلاح و تبیین صحیح قدسی بودن مفهوم خانواده می‌پردازد و با این شیوه، نقش خود را برای تکمیل فرایند انگاره‌سازی در مرحله جانشینی و نماد ایفا می‌کند. در این سازوکار، متون دینی برای ایجاد و تقویت نگاه تقدسی به خانواده با وضع قوانین لازم و حقوق واجب بین فردی بین زوجین و با محدود کردن ارضای نیازهای جنسی و عاطفی به درون خانواده با تعیین احکام سخت‌گیرانه در ارتباطات با نامحرم و ممنوعیت جلوه‌گری و خودنمایی در برابر بیگانگان نسبت به انجام بهتر رفتارهای معمول بین فردی زوجین در نظام خانواده با بیان آثاری مهم و تعیین اجر و پاداش دنیوی و اخروی انگیزه‌سازی می‌کند. این سطح از تبیین آثار و مشوق‌های دینی بیانگر این حقیقت است که کانون خانواده از نظر دینی به اعتبار اثرگذاری بی‌دلیلی که در بعد فردی و اجتماعی انسان دارد، کانون مقدسی است و جایگاه معنوی بالایی دارد. این رویه دین است که همیشه آن دسته از اعمال یا پدیده‌هایی که به اعتبار آثار و برکات وجودی متفاوت، رتبه و قداست خاصی دارند مورد توجه ویژه قرار می‌گیرند و برای انگیزه‌بخشی مؤمنان در عمل به آنها و حفظ آن اعمال و حقایق، آثار و مشوق‌های مادی و معنوی قابل توجهی برای آنها بیان می‌کند. برای نمونه در متون دینی نسبت به رعایت و حفظ حقایقی مانند نماز (ر.ک.، کلینی، ۱۳۶۳، ۴/۲۶۸)، روزه (ر.ک.، کلینی، ۱۳۶۳، ۴/۶۳)، جهاد (ر.ک.، کلینی، ۱۳۶۳، ۴/۵)، قرائت و تدبیر در قرآن (تلاوت) (ر.ک.، مجلسی، ۱۳۶۸، ۱۹/۹۲) و حرمت مؤمن (ر.ک.، صدوق، ۱۳۷۸، ۲/۲۹) آثار و پاداش‌های قابل ملاحظه‌ای بیان می‌شود که نشانه قداست و برتری آنها نسبت به بقیه رفتارهای دینی است.

اسلام با تبیین آثار قابل توجه نسبت به رفتارهای زوجین در نظام خانواده، مشوق‌های دینی مؤثری را بیان کرده است. اصل تلاش مرد برای کسب روزی حلال معادل با جهاد در راه



خدا (جرعاملی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۶۶/۱۷) و حتی برتر از آن (ر.ک.، مجلسی، ۱۳۶۸، ۴۹/۷۲) بیان می‌شود. همچنین تلاش بیشتر مرد برای ایجاد رفاه و گشایش‌های بیشتر در زندگی خانوادگی مساوی با رضایت خداست (ر.ک.، کلینی، ۱۳۶۳، ۱۱/۴). رفتارهای محبت‌آمیز حداقلی مانند هم‌نشینی در کنار همسر و اعضای خانواده برتر از اعتکاف در مسجد پیامبر معرفی شده است (ر.ک.، ورام، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۱۲۲/۲). اطعام همسر با دست خود از روی محبت، عملی مستحق پاداش تعریف می‌شود (ر.ک.، فیض کاشانی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۷۰/۳) و تلاش زن در تأمین آسایش جسمی و آرامش روانی همسر مساوی با اجر جهادگران در راه خداست (ر.ک.، صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۴۳۹/۳). اجر تأمین نیازهای عاطفی و حفظ آن در بین اعضای خانواده به‌ویژه همسر توسط زن نیز هم‌رتبه کارگزاران پروردگار در روی زمین معرفی می‌شود (ر.ک.، صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳۸۹/۳) و توجه او به نظم بخشیدن به درون خانه معادل با نگاه رحمت الهی است (ر.ک.، مجلسی، ۱۳۶۸، ۱۰۶/۱۰).

در دین اسلام مشوق‌های دینی محدود به رفتارهای زوجین نیست، بلکه محبت رفتاری و عاطفی آنها با فرزندان اجر اخروی دارد (ر.ک.، کلینی، ۱۳۶۳، ۴۹/۶) و نگاه محبت‌آمیز فرزندان به والدین نیز مصداق عبادت است (ر.ک.، نوری، ۱۴۰۸ هـ.ق، ۱۵۲/۹). اسلام به افراد سفارش می‌کند که پیش از اقدام به ازدواج، برای انتخاب همسر رفتارهای خود را با نماز، دعا و توکل بر خدا همراه کنند و با این شیوه به ازدواج رنگ‌وبوی معنویت دهند و به آن تقدس بخشند تا بتوانند زمینه تکامل انسانی را فراهم کنند (سالاری فر، ۱۳۹۵). این سطح از آثار و تشویق‌های دینی نسبت به این رفتارها نشان از حاکم بودن مفهوم قداست و برتری کانونی است که اعضا، عضو اصلی آن کانون هستند.

اگر زوجین هم‌زمان با تقویت بعد شناختی خود هنگام عمل براساس مضامین دینی نیز رفتارها و تعاملات بین فردی خود با همسر و دیگر اعضای خانواده را ارزشمند و معنوی بدانند و تکرار آنها معطوف به بعد ارزشی و معنوی آنها انجام شود، روند فربهی با اغراق و مبالغه بیشتری همراه خواهد شد تا به تحویل دو تصویر به جای یکدیگر منجر شود. در این مرحله محمول (مقدس) در جمله «خانواده یک حقیقت مقدس است» به تدریج فربه‌تر می‌شود تا آنکه موضوع (خانواده) را هضم کند و جانشین موضوع شود؛ یعنی با فربه‌شدن، تصویر محمول به جای تصویر موضوع می‌نشیند و فرد برای خانواده توصیف و شأنی

به جز تقدسی بودن آن را نمی بیند و دو تصویر به یک تصویر تبدیل می شود. در نتیجه گزاره «خانواده یک حقیقت مقدس است» به «خانواده یعنی، تقدس» تبدیل می شود. عبارت «یعنی» در این تعریف نه بیان معنا، نه بیان تعریف و نه بیان توصیف است، بلکه نشان دهنده نقاشی ذهنی است که فرد از خانواده در طول این فرایند ذهنی برای خود ایجاد کرده است و درواقع، توصیفات دیگر خانواده پنهان یا کم رنگ جلوه می کند. (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۹) در اینجا عبارت تقدس به جای خانواده نشسته است و به این ترتیب به نماد آن تبدیل می شود چنانچه فرد هرگاه با واژه خانواده مواجه شود به صورت هشیار یا ناهشیار، تقدسی بودن آن را اراده کرده است و با تصویر خانواده، تصویر مقدس بودن خانواده در ذهن تداعی می شود. چنین فرایندی نوع جدیدی از ادراک را برای فرد رقم می زند که از ادراکات اعتباری است.

۲-۴. تأثیر قدسی انگاری خانواده بر عوامل استحکام بخش خانواده

صفات شخصیتی و توجه به عوامل انگیزشی زوجین به یکدیگر در تشکیل خانواده، اساسی ترین مؤلفه های قوام و پایداری خانواده است. نصوص دینی اسلام متضمن چندین عامل سازمان دهنده در قوام و پایداری خانواده می باشد؛ عواملی مانند کسب رضایت خدا (خدامحوری)، رعایت اصول اخلاقی و رعایت حقوق و وظایف بین فردی (حقوق مادی، ارضای متقابل نیاز عاطفی و جنسی) در روابط زوجین. به تعبیر دیگر، استحکام خانواده در گرو چند پایه نظری و تحلیل مفهومی است که در پژوهش حاضر با توجه به یک انگاره اساسی یعنی، قدسی انگاری خانواده، تأثیر این انگاره بر سه عامل استحکام بخش یادشده بررسی شد.

۲-۴-۱. تعاملات زوجین با رویکرد خدامحوری

وجود انگاره قدسی به خانواده، افراد را از امور مربوط به زندگی اشتراکی نامقدس دور و به مدلی از زندگی متعالی و مقدس وارد می کند که در آن اعضای خانواده به ویژه زوجین به خانواده ماهیتی الهی می دهند و خود را در ارتباط نیروهای عالی تری احساس می کنند. در این خانواده ها زوجین درمی یابند که خانواده واقعیت مقدسی است که چیزی بیشتر دارد؛ چیزی بیشتر از خود، چیزی بیشتر از زوجین و چیزی بیشتر از واحد خانواده. برای این زوجین، تعاملات زوجیتی برپایه رابطه ای الهی و رسمی شکل گرفته است و هم زمان



با هم‌زیستی با یکدیگر، ضلع سومی را قبول دارند که حاکم بر آنهاست و نقش حمایتی مهمی را در این زندگی و روابط آن بازی می‌کند و کل خانواده را به سمت اهداف خاصی (آثار دنیوی و اخروی) هدایت می‌کند؛ باور به این نیروی فراتر، همان خداباوری است. اعتقاد به وجود خدایی که در زندگی مشترک با محبت و قدرت نامحدودی حضور دارد زوجین را به سمت کنترل رفتارها و آرامش دل‌ها در تلاطمات زندگی سوق می‌دهد که نتیجه آن، احساس رضایت و رشد و تعالی کل خانواده است. با اعتقاد به وجود ضلع سومی مانند خداوند، زوجین از هرگونه تلاش در حفظ روابط خانوادگی دریغ نمی‌کنند و این دسته از تلاش‌ها را ارزشی می‌دانند و باور دارند که تلاش آنها زمینه‌ساز قرب آنها به خداوند است. با شکل‌گیری انگاره قدسی به خانواده در پرتوی گزاره‌های شناختی و رفتاری دینی در ذهن زوجین، خداباوری از سه راه محقق می‌شود:

- کارکردهایی مانند گسترش کلمه توحید، آرامش جسمی و روانی، رشد کمالات و... که دین برای خانواده ترسیم کرده است جز با وجود حاکمیت حکم خداوند در زندگی (خدامحوری) محقق نمی‌شود. فقدان حکم خداوند در زندگی مساوی با حاکمیت اصل لذت و خودمحوری در زندگی، آزادی روابط زوجین و گسترش بی‌مسئولیتی در حوزه نیازهای عاطفی و جنسی است که باوجود آنها کارکردهای مطرح‌شده در زندگی اشتراکی منتفی خواهد بود.

- حفظ قداست و ارزش وجودی هریک از اعضای خانواده در نقش خود و بهره‌مندی کامل از برکات، زمانی محقق می‌شود که آنها متناسب با قداستی که گزاره‌های دینی عطا کرده است به وظایف و مسئولیت‌های خود در تعاملات بین‌فردی با دیگر اعضای خانواده براساس دستورات الهی عمل کنند و این مهم جز با خدامحوری در زندگی محقق نمی‌شود. در این خانواده‌ها افراد درمی‌یابند که نوع رفتار آنها با همسر و فرزندان نشان‌گر میزان نقش خداباوری و خدامحوری آنها در زندگی اشتراکی است. در خانواده‌هایی که افراد قداست و ارزش وجودی خود را در قالب نقش‌های همسری، والدینی و فرزندی به خوبی ادراک نکرده‌اند روابط بین‌فردی برپایه خودمحوری شکل می‌گیرد و با ترک مسئولیت‌های تعریف‌شده ازطرف دین درمقام عمل خدامحوری محقق نمی‌شود.

- دین با شیوه سازوکار رفتاری، گزاره‌هایی را تبیین می‌کند که اعضای خانواده با انجام برخی رفتارهای بین فردی با عمل به وظایف و مسئولیت‌های متناسب با نقش خود در خانواده آثار، برکات و پاداش‌های اخروی قابل توجهی نیز دریافت می‌کنند. انجام این‌گونه رفتارها باهدف کسب این آثار و برکات، مساوی با پذیرش خدامحوری در زندگی است؛ زیرا کسی که خدا را باور نداشته باشد یا رضایت او را محور زندگی خود قرار نداده باشد معنا ندارد که رفتار اخلاقی در تعاملات با همسر و خانواده خود را باهدف کسب آثار و پاداش الهی انجام دهد. مضامین دینی یکی از وظایف اصلی پدر را حرکت تمام اعضای خانواده به سمت رعایت خدامحوری در تمام امور و انتخاب‌های اعضا می‌داند (ر.ک.، تحریم: ۶)، در چنین فضای تربیتی که پدر نگرش قدسی را باور کرده و معتقد است که نقش او در سعادت خانواده مؤثر است، تلاش می‌کند رضایت خدا را در تمام شئون زندگی خانوادگی خود براساس دستور متون دینی کسب کند (ر.ک.، نوری، ۱۴۰۸ ه.ق، ۱۵/۱۶۸).

۲-۴-۲. تعاملات زوجین با رعایت اصول اخلاقی

آموزه‌های اسلامی با دو شیوه به دنبال زمینه‌سازی برای بروز و ظهور صفات اخلاقی در بین اعضای خانواده به‌ویژه زوجین است تا در پرتوی آنها قوام و استحکام خانواده شکل گیرد. در شیوه اول، القای تقدس‌گرایی به اصل نظام خانواده دنبال می‌شود و در شیوه دوم، اجزای تشکیل‌دهنده خانواده قداست و برتری معنوی خواهند داشت. در شیوه اول، ادراکات و تجربه اعضای خانواده به‌ویژه زوجین از تقدس خانواده باعث می‌شود اعضا هم در کسب اهداف و کارکردهای خانواده و هم در شیوه دنبال کردن آنها در زندگی متفاوت‌تر عمل کرده و نسبت به انتخاب خلیات و رفتارهای مؤثر خود آگاهانه‌تر عمل کنند. به‌طور کلی، حقیقتی (خانواده یا اعضای آن) که امری مقدس شمرده شود دو ویژگی مهم هیبت و جذابیت در او شکل می‌گیرد. در واکنش به این دو صفت نیز دو احساس خوف و شوق در انسان نسبت به آن امر ایجاد می‌شود. در موضوع خانواده نیز چنین است. باوجود تحقق انگاره قدسی به خانواده، احساس خوف در زوجین باعث می‌شود نسبت به خلیات و رفتارهای خود به‌گونه‌ای عمل کنند که منافاتی با جایگاه قدسی مفهوم خانواده نداشته باشد و خدشه‌ای به آن وارد نشود. از این رو، تلاش می‌کنند بیشتر در تعاملات بین فردی





خود از نظر هیجانی از خلیات و الگوهای تعاملی مخرب فاصله بگیرند و با انتخاب خلیات نیکو با حفظ قداست و ارزشمندی خانواده، موقعیت‌هایی را برای رشد یکدیگر فراهم کنند. از طرفی، اعضای خانواده با ایجاد احساس شوق تلاش می‌کنند برای حفظ این قداست و جلب بهتر کارکردهای آن نسبت به سلامت روانی و عاطفی خانواده احساس مسئولیت کنند و حفظ این پیوند مقدس را در اولویت کارهای خود قرار دهند. این احساس شوق در زوجین باعث می‌شود هنگام بروز تعارضات نسبت به تداوم رابطه زناشویی خود اهتمام بیشتری از خود نشان دهند به گونه‌ای که طلاق عاطفی یا واقعی را اولین گزینه در هنگام بروز اختلافات و تعارضات نمی‌بینند. آنها معتقدند که با وجود قداست خانواده تاحدی که ممکن است باید از گسست آن اجتناب کرد. همین نکته کافی است که زوجین هنگام مواجهه با عوامل شکننده در خانواده تلاش عالمانه و عاقلانه‌ای در رفع تنش‌های ایجاد شده داشته باشند و با خلق صفات نیکو مانع شکاف و فروپاشی در آن شوند. به دنبال این، ایثار و فداکاری را سرلوحه زندگی شخصی خود قرار می‌دهند و در کمبودها و شکست‌ها و خطاها و اشتباهات به جای سرزنش کردن یکدیگر و بی‌تابی‌های شکننده، به بخشیدن خطاهای یکدیگر و مدارا کردن، جلوگیری از بروز خشم رفتاری و گفتاری (کظم غیظ)، صبور بودن، عشق ورزیدن و مهربانی کردن رغبت بیشتری از خود نشان می‌دهند.

این احساس شوق باعث می‌شود زوجینی که خانواده را نهادی مقدس یافته‌اند نسبت به پاسداشت آن، محدودیت‌هایی که منبعث از قبول این قداست است را بپذیرند. لازمه پذیرش این محدودیت‌ها، تحقق و تقویت صفاتی مانند حیا، صبر عاطفی و جنسی، عفت، غیرت، امانت‌داری، محبت و معاشرت نیکوست. در نقطه مقابل با قداست‌زدایی از مفهوم خانواده، ترویج فردگرایی و کام‌روایی و اصالت بخشیدن به لذت، تحقق صفاتی مانند خیامندی، غیرت، ایثار، گذشت، صبوری و مدارا کردن بی‌معناست و جای خود را به صفات ناپسند می‌دهد. گزاره‌های دینی در شیوه دوم با تقدس بخشی به تک‌تک اعضای خانواده تلاش می‌کند که گزاره‌های اخلاقی در خانواده ایجاد و تقویت شود. انسان‌ها به طور طبیعی در برابر افرادی که قداست و حرمت خاصی دارند رفتارها و اخلاقیات متفاوتی از خود نشان می‌دهند و چون گزاره‌های دینی به افراد دخیل در شکل‌گیری خانواده به دلیل

نقش و جایگاهی که دارند اعتباربخشی و قداست ویژه‌ای ارائه کرده است تحقق برخی صفات اخلاقی دور از انتظار نخواهد بود. تواضع، ادب، احترام و نیکوکاری، حداقل صفاتی است که انسان‌ها در مواجهه با آنها از خود نشان می‌دهند. زن و مرد با احترام به یکدیگر، محبت ورزیدن، صبوری کردن در کمبودهای زندگی، تواضع کردن و... ثابت می‌کنند که حرمت و قداست همسر عاملی انگیزه‌بخش در تحقق این دسته از صفات است. فرزندان نیز با مهرورزی، کرنش، حیا در گفتار و رفتار، حرمت و قداست والدین را ثابت و نسبت به پاسداشت آن تلاش می‌کنند.

۲-۴-۳. تعاملات زوجین با رعایت حقوق بین فردی

شکل‌گیری نگاه قدسی به موضوع خانواده آثار و پیامدهایی در خلق گزاره‌های اخلاقی و حقوقی دارد. لازمه ایجاد انگاره قدسی به خانواده، تحقق حقوق بین فردی زوجین و اعضای خانواده است و بین این دو همبستگی بالایی وجود دارد. در خانواده‌هایی که زوجین قداستی برای خانواده و خود قائل نباشند انگیزه درونی در رعایت حقوق بین فردی وجود ندارد و اگر الزام بیرونی و قانونی نباشد به طور کامل از انجام وظایف و مسئولیت فاصله می‌گیرند. یکی از آثار مهم در هر امر قدسی، احساس ترس و وحشت دینی است. فرد معتقد به قداست یک پدیده یا حقیقت، نگران نوع تعامل و برخورد خود با اوست؛ نگرانی که در قداست و جایگاه والای آن ریشه دارد؛ زیرا باید مطمئن شود که تعامل او، خدشه‌ای به وجهه و قداست آن حقیقت وارد نمی‌کند. وجود قداست و ارزشمندی والایی که دین برای خانواده تعریف کرده است نوعی نگرانی و احتیاط در انتخاب رفتارها توسط زوجین ایجاد می‌کند به ویژه زمانی که دین برای خانواده و اعضای آن رفتارهای الزام‌آور و حقوقی را نیز تبیین کرده باشد. در این صورت است که فرد تلاش می‌کند نسبت به رعایت حقوق بین فردی اهتمام مضاعف از خود نشان دهد و هر رفتاری را که منافات با حقوق تعریف شده باشد از خود دور کند.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

در ایران پژوهش‌هایی با موضوع توزین انگاره‌ها و تأثیر آنها در نهادهای اجتماعی از جمله



خانواده هنوز در آغاز راه است. تاکنون پژوهش‌های اندکی درباره انگاره، قدرت و تأثیر آن در زمینه‌های مختلف مانند انگاره‌ها و نقش آن در سوگیری قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، انگاره‌های شکل‌گرفته از خداوند و انگاره‌های فرهنگی و مؤثر بر تعاملات بین فرهنگی انجام شده است. کتب ترجمه شده در موضوع انگاره‌ها بیشتر در مفاهیم مربوط به انگاره‌ها بحث کرده و به نقش انگاره‌ها و تأثیر آنها بر قوام بخشی به نظام خانواده اشاره نشده است. تحقیقی که انگاره‌ها را در قالب یکی از عوامل اساسی در این مهم به صورت علمی بررسی کند تاکنون شناسایی نشده است. پژوهش حاضر، پژوهشی نوین و کارآمد و سرآغاز تحقیقات بعدی در این عرصه جدید است که در ابتدا شیوه شکل‌گیری قدسی‌انگاری خانواده در قالب یکی از ادراکات ذهنی اعضای خانواده براساس متون دینی را تبیین و سپس شیوه تأثیرگذاری این انگاره بر پایداری خانواده براساس مضامین دینی را ثابت نمود.

توجه به ایجاد و تقویت عوامل زیربنایی پایداری نظام خانواده مانند قدسی‌انگاری خانواده یکی از ادراکات ذهنی در مضامین دینی و محور اصلی پژوهش حاضر است. تحقق این مهم در خانواده‌هایی ثابت شد که نظام تربیتی خود را براساس مبانی دینی شکل داده‌اند. براساس این نظام تربیتی، فرزندان از اولین دوران شناختی خود با یادگیری مشاهده‌ای، نظام روابط حاکم بین اعضای خانواده به‌ویژه تعاملات بین فردی والدین را به شکل خاصی درک می‌کنند، سپس با درک مفاهیمی مانند خانواده و جایگاه (قداست) آن در طول یک فرایند ذهنی پیچیده از مرحله تقارن صورت‌های خیالی خانواده و قداست به مراحل بالاتر یعنی، مرحله فربهی و برجسته‌سازی و درنهایت به مرحله نماد و جانشینی این دو مفهوم می‌رسند. در تبیین تشکیل فرایند ذهنی فرزندان می‌توان گفت که ادراک اولیه از ارزشمندی و قداست مفهوم خانواده و اعضای تشکیل دهنده آن با کمک آموزه‌های معرفتی دینی با دو سازوکار شناختی و رفتاری در ذهن و خیال آنها ایجاد و تقویت می‌شود به گونه‌ای که محمول (تقدس) در گزاره «خانواده، یک مفهوم مقدس است» در ذهن و اندیشه آنها برجسته‌تر و فربه‌تر شده و ابعاد یا صفات دیگر موضوع (خانواده) محدودتر و پنهان‌تر می‌شود. درنهایت مفهوم تقدس، نماد و جانشین مفهوم خانواده می‌شود و خانواده در ذهن انسان مؤمن، چیزی جز یک امر مقدس دیده نمی‌شود. در این مرحله

است که قدسی‌انگاری خانواده در ذهن فرد شکل می‌گیرد.

پس از اثبات شکل‌گیری این انگاره در ذهن اعضای خانواده، مرحله تأثیرگذاری آن بر پایداری و استحکام روابط بین فردی آنها برپایه متون دینی تبیین شد. همچنین ثابت شد که به میزان شدت تحقق قدسی‌انگاری خانواده و باتوجه به نقشی که در ایجاد و تقویت نگرش قدسی به خانواده به وجود می‌آید فرد می‌تواند بر عوامل مخرب در استحکام خانواده غلبه کند. در این حالت، فرد می‌تواند به واسطه تأثیرگذاری بر عوامل واسطه‌ای تحقق‌ساز سه مضمون اصلی خدامحوری، رعایت اخلاق حسنه و قوام نظام‌های حقوقی حاکم بین اعضای خانواده در قالب عوامل زیربنایی استحکام خانواده که از متون دینی استخراج شده است بر پایداری خانواده تأثیر جدی بگذارد. تحقق و رعایت این مضامین سه‌گانه باعث سلامتی و کارآمدی استحکام خانواده می‌شود.

پژوهش حاضر تلاش کرد که به نخستین و مهمترین مداخلات در حل مشکلات خانواده وارد شود تا با اصلاح بینش‌ها، معیارها و شیوه تفکر آنها درباره خانواده و جایگاه اعضای تشکیل‌دهنده آن، قدم مؤثر و نوینی در عرصه پایداری و قوام خانواده بردارد. توجه به انگاره‌های حاکم بر ذهن انسان به مثابه یکی از مهمترین مبانی بینش‌ها و باورها اهمیت آنها را در تعاملات بین فردی انسان‌ها روشن می‌کند. از این رو، رفتارهای زوجین و اعضای خانواده در نظام خانواده و اهداف آنها برای تشکیل خانواده باتوجه به نوع انگاره‌های حاکم در ذهن آنها در طول زمان به موازات اصلاح یا تغییر آنها متفاوت است. قدسی‌انگاری خانواده در قالب انگاره‌ای مثبت و سازنده به روابط بین اعضای خانواده نگاه متفاوتی القا می‌کند. با تحقق این انگاره، روابط، قوام و استحکام متفاوتی خواهند داشت. اگرچه تحقیق در تأثیر انگاره‌های مثبت و منفی در پایداری یا تزلزل نظام خانواده در آغاز راه است، ولی امید می‌رود که پژوهشگران در حوزه خانواده به‌ویژه با نگاهی بین‌رشته‌ای بتوانند قدم‌های مؤثرتری در این‌گونه تحقیقات از خود به جا بگذارند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۹۰). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: نشر فاضل.
۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). *تحف العقول*. قم: جامعه المدرسین حوزه علمیه قم.
 ۲. اسون، پل لوران (۱۳۹۸). *واژگان فروید*. مترجم: مولی، کرامت. تهران: نشر نی.
 ۳. ببران، صدیقه، و حکیمی، شیما (۱۳۹۲). آثار ارتباطات بین فرهنگی زوج های ایرانی و فرانسوی بر انگاره های ذهنی و کاهش حساسیت فرهنگی بین آنها. *نشریه مطالعات میان فرهنگی*، ۲۰، ۹۱-۱۰۵.
 ۴. بستان، حسین (۱۳۹۰). *اسلام و جامعه شناسی خانواده*. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
 ۵. پترسون، مایکل، رایشنباخ، بروس، و هاسکر، ویلیام (۱۳۹۰). *عقل و اعتقاد دینی*. مترجم: نراقی، احمد، و سلطانی، ابراهیم. تهران: انتشارات طرح نو.
 ۶. تقوی، نعمت الله (۱۳۷۶). *جامعه شناسی خانواده*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
 ۷. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ه.ق). *وسائل الشیعه*. قم: آل البيت (ع).^۱
 ۸. خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۷۴). *فرهنگ و دین*. تهران: طرح نقد.
 ۹. زیمن، کلمنت، و اشتیرلین (۱۳۷۹). *مفاهیم تئوری های کلیدی در خانواده درمانی*. مترجم: پیرمرادی، سعید. تهران: همام.
 ۱۰. سالاری فر، محمدرضا (۱۳۹۵). *زوج درمانی با روی آورد اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۱۱. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۶). *مفاتیح الغیب*. مصحح: حبیبی، نجف قلی. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدا.
 ۱۲. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا (ع)*. مصحح: لاجوردی، مهدی. تهران: نشر جهان.
 ۱۳. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ ه.ق). *کتاب من لایحضره الفقیه*. مصحح: غفاری، علی اکبر. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. مترجم: موسوی همدانی، سید محمد باقر. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
 ۱۵. طبرسی، حسین بن فضل (۱۳۷۷). *مکارم الاخلاق*. قم: شریف رضی.
 ۱۶. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵). *مشکاة الانوار فی غرر الاخبار*. نجف: مکتبه الحیدریه.
 ۱۷. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تهران: مرتضوی.
 ۱۸. ظهیری، هوشنگ (۱۳۸۹). مدیریت خانواده در نظریه های جامعه شناسی در مقایسه با نظریه علامه طباطبایی. *نشریه قرآن و حدیث*، ۸، ۹۹-۱۲۰.
 ۱۹. غباری بناب، باقر، و حدادی کوهسار، علی اکبر (۱۳۸۹). رابطه انگاره ذهنی از خدا با روان پریشی و جسمی سازی در دانشجویان. *نشریه دستاوردهای روان شناسی*، ۲، ۱۹-۳۴.
 ۲۰. فرامرز قراملکی، احد (۱۳۹۵). *قدرت انگاره ها*. تهران: مجنون.
 ۲۱. فرامرز قراملکی، احد (۱۳۹۹). *از متن خوانی تا متن پژوهشی*. مشهد: حوزه علمیه خراسان.
 ۲۲. فردریکسون، جان (۲۰۱۵). *دروغ هایی که به خود می گوئیم*. مترجم: شمس پور، حمید. تهران: ارجمند.
 ۲۳. فیض کاشانی، محمد (۱۴۱۷ ه.ق). *محجة البیضاء*. قم: انتشارات جامعه المدرسین.
 ۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۲۵. ماکسول، مانتر (۲۰۱۶). *روان شناسی تصویر ذهنی*. مترجم: قراچه داغی، مهدی. تهران: شباهنگ.
 ۲۶. متقی، علی بن حسام الدین (۱۴۱۹ ه.ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۲۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۶۸). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۲۸. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹). *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*. قم: مؤسسه علمی-فرهنگی دارالحدیث.
 ۲۹. موحی، نرگس، و اخلاقی، مرضیه (۱۳۹۸). جایگاه قوه خیال در صدور افعال و نتایج تربیتی آن با تأکید بر مبانی نفس شناسی صدر المتألهین. *نشریه خردنامه صدا*، ۳۱، ۹۶-۴۰.
 ۳۰. مولانا، احمد، و تاجیک، غلامرضا (۱۳۷۵). *رسانه ها و انگاره سازی*. نشریه رسانه، ۲۶، ۱۰-۱۷.
 ۳۱. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ ه.ق). *مستدرک الوسائل*. بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
 ۳۲. وثوقی، منصور، و نیک بین، علی اکبر (۱۳۷۱). *مبانی جامعه شناسی*. تهران: خرمند.
 ۳۳. ورام، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ ه.ق). *تنبییه الخواطر ونزه النواظر*. قم: مکتبه الفقیه.
 ۳۴. یعقوبی، عبدالرسول (۱۳۷۹). *مقدس و نامقدس*. نشریه معرفت، ۳۴، ۴۵-۵۶.